

جزوه جمع بندی علم النفس

«ویژه کنکور ارشد وزارت علوم»



درسنامه جامع چارچوب بندی شده ☒

تست های کنکور ۱۰ سال اخیر به همراه پاسخنامه تشریحی ☒

ضمیمه نکات ترکیبی علم النفس با دروس روانشناسی ☒

شامل سوالات ۱۴۰۴ ☒

فرزانه قیومی

راه های ارتباطی جهت تهیه محصول :

اپراتور تلگرام و ایتا و بله: @farzaneh_psychology



کانال تلگرام : https://t.me/farzaneh_psychologyy

اینستاگرام: @farzaneh_psychology





بخش اول: نظریات فلاسفه اسلامی

کندی: کندی معروف به ابوالحکما، نخستین مشائی عرب، نخستین فیلسوف عرب و فیلسوف اسلام است. کندی درباره نفس رای خاصی ابراز نمیکند و آرا حکما پیشین را بیان میکند. کندی با اینکه ارسطو را بسیار مورد تقدیر قرار میداد شد، در بسیاری از مسائل فلسفی با ارسطو به مخالفت پرداخت و گرایش بیشتری به افلاطون و فلوپین نشان داد.

نظریه تطهیر نفس (خلاصی نفس)

مراحل پاک شدن نفس از آلودگی های جسم

فلک قمر ← فلک کوکب ← فلک اعلی ← عالم عقل

کندی معتقد است نفس بعد از خروج از جسم هنوز آلوده است و نیاز به گذراندن مدارجی دارد که در نهایت پاک شود. کندی نظریه تطهیر نفس را به پیروی از افلاطون و نحله فیثاغورثی بیان میکند.

خواب و رویا

❖ خواب: ترک استفاده از حواس به وسیله نفس.

❖ رویا: ترک استفاده از حواس به وسیله نفس + به کارگیری فکر توسط نفس

رویای صادق یا خبردهنده

- فرد رویدادی از آینده را می بیند.

رویای رمزی یا نمادین

- چیزهایی که در آن مشاهده میشود، نمادی از سایر چیزهاست (شبیه نظر فروید).

رویای متضاد یا ضدین

- رویایی که چیزهای مشاهده شده بر ضد خود دلالت دارد.

رویای کذب یا ناصدق

- رویایی که چیزهای مشاهده شده واقعیت ندارند مثل خواب های پریشان.

نکته: نفس انسان به خواب نمی رود؛ همچنین خواب نزدیک ترین حالت به مرگ است. اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا؛ خداوند جان ها را هنگام مرگشان و نیز آن هایی که نمرده اند در هنگام خوابشان می گیرد. آیه ۴۲ سوره زمر

نکته: رویا حاصل فعالیت قوه مصوره یا تخیل است.

فارابی: معلم ثانی (معلم اول ارسطو بود و فارابی به خاطر شرح و بسط مطالب او ملقب به معلم ثانی شد) ، فارابی متعلق به مکتب نوافلاطونی و از مشائیان. فارابی اولین کسی که اصول و مبانی فلسفه اسلامی را تدوین کرد.

نظریه انسان کامل و مدینه فاضله:

فارابی اولین کسی است که در مورد انسان کامل اندیشیده و صفات انسان کامل را در کتاب احصاء العلوم گفته و رهبری مدینه فاضله را شایسته او می داند. انسان کامل دائماً از عقل فعال مدد می گیرد. اگر انسان در مرتبه انسانیت به نهایت کمال برسد، مرتبه اش در برابر آنان که از خرد های خدایی برخوردارند همانند کودکان و نوجوانان و مردم کم هوش است در برابر انسان کامل. فارابی کلمات الفیلسوف، الامام، الرئيس الاول، الفیلسوف الکامل و الاکامل علی الاطلاق را برای انسان کامل به کار میبرد.

نکته: فارابی مثل ارسطو، ملاک شناسائی فضائل را اعتدال و میانه روی می داند. (ترس * شجاعت □ بی باکی * / رکود شهوت * عفت □ پرده دری *)

صفات از نظر فارابی به دو دسته تقسیم میشود:

۱- صفات حمیده: برای بالفعل شدن نیازمند مدینه فاضله است. در واقع وظیفه مدینه فاضله این است که موجبات رشد و به فعلیت درآوردن صفات حمیده را فراهم کند. ۲- صفات رذیله: برای آنکه صفات رذیله در انسان از قوه به فعل درآید، انسان باید در مدینه ضاله به سر برد.

نکته: یکی از فعالیت های مهم فارابی این بود که میان دین و فلسفه آشتی ایجاد کند. به همین دلیل عقل فعال در نظریه او با ملک وحی یا روح القدس که جزء مفاهین دینی است شباهت دارد (درحالیکه عقل فعال با ملک وحی و روح القدس که در دین آمده متفاوت است). همچنین در دیدگاه او انسان کامل همان نبی یا امام فرض میشود.

ابن سینا: شیخ الرئيس. از مشائیان و تابع اصول ارسطویی است. البته عناصری از نظریات افلاطونی و نو افلاطونی در نظریات او دیده میشود.

روش کار ابن سینا: از امور محسوس و مشهود آغاز (با مشاهده و تجربه) و به امور نامشهود و ذهنی و کلیات ختم میشود.

کتاب های معروف ابن سینا در مورد فلسفه و علم النفس: الشفاء (در مورد نفس و قوای آن است. در حکم دایره المعارف فلسفه مشائی میباشد.) / النجاه (خلاصه کتاب شفاء) / رساله حی بن یقظان (داستانی تمثیلی با موضوعی عرفانی) / احوال النفس / رساله العشق (عشق نیرویی ساری و جاری در تمام اجزاء هستی است.)

غزالی: حجت الاسلام زین الدین، از متکلمین است و نظراتش بیشتر به افلاطون گرایش دارد.

تعاریف واژگان از دیدگاه غزالی

- 1- **معنای عام:** ذات و حقیقت انسان - نفس ناطقه انسانی یعنی همان جوهری که به **نفس ناطقه** در بین فلاسفه ، **نفس مطمئنه و روح** در قرآن کریم و **قلب** در بین صوفیه معروف است.
- 2- **معنای خاص:** نفس حیوانی شامل شهوت و غضب / اصل صفات ناپسند انسان

نفس

- 1- پاره گوشتی صنوبری شکل که منبع حیات است.
- 2- روح انسانی که علم و آگاهی فطری و معرفت در آن تجلی می یابد.

قلب

- 1- روح حیوانی
- 2- روح به معنی **نفس ناطقه** یا به مفهوم لطیفی است که در انسان عالم و مدرک می باشد. آیه « قل روح من امر ربی »

روح

- 1- علم به حقایق علوم (جایگاه این علم قلب انسان است.)
- 2- نفس ناطقه / مدرک علوم و معارف

عقل

نظریه اخلاق غزالی (مثل مفهوم صفت یا Trait آپورت و نظریه اخلاق مسکویه)

اخلاق یک مجموعه صفات ثابت و پایدار است که بدون فکر و تأمل و فشار از انسان صادر می شود.

اصول اخلاق (اعتدال در کار قوا):

عفت

- اعتدال در قوه شهویه و زمانی که به وسیله عقل و شرع کنترل شود.

شجاعت

- اعتدال در قوه غضبیه و زمانی که به وسیله عقل و شرع کنترل شود.

حکمت

- اعتدال در قوه ناطقه و تشخیص کار درست و غلط

عدل

- ام الفضائل (مادر خوبی ها) که از ترکیب سه اصل فوق به وجود می آید.

درمان اخلاق بد و تعدیل رفتار

راه درمان رذیلتی که بیماری قلب است **بر ضد آن** است (بازگرداندن اعتدال) و سپس با اجرای تکلف آمیز اخلاق و رفتار مطلوب متضاد و استمرار در این کار تا زمانیکه به صورت عادت و طبیعت انسان درآید. غزالی **ویژگی اصلی درمان خلق های ناپسند و بیماری های قلبی** را **اکتساب خلق های نیکو و ستوده و متضاد با خلق های ناپسند** میداند. اگر اخلاق بد خیلی شدید و تثبیت شده باشد، درمان باید به شکل **تدریجی** انجام شود. غزالی بر آن است که اخلاق را در یک نظام عادت بگنجاند. عادت زمانی کامل میشود که درون فرد **گرایش و شوقی دائمی** نسبت به انجام آن عمل وجود داشته باشد.

درمان تکبر

- ۱- کندن درخت تکبر از رستگاه آن در قلب یعنی ریشه کنی آن ۲- دفع عوارض منشا تکبر



بخش دوم: انسان در قرآن و احادیث

فصل دهم: نفس و روح

روح چیست؟

- ۱- به عنوان **موجودی مجرد و مستقل** و در عین حال مرتبط با عالم جسمانی و مادی است.
- ۲- روح حقیقت وجودی است که **از بین نمی‌رود**.
- ۳- روح **موجودی آسمانی** است که از عالم بالا به عالم پایین به همراه **ملائکه** نزول کرده است.
- تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ : در آن شب، فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان برای انجام هر کاری فرود آیند
- ۴- روح **عامل حیات و زندگی** است.

انواع روح در قرآن

1- روح نفخه ای:

- عامل حیات و انسانیت انسان‌ها و باعث تمایز انسان با سایر موجودات.
- وَفَخُتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي / در انسان روح خود را دمیدم.

2- روح تائیدی:

- روح تائیدی زندگی و حیات طیبه را ایجاد میکند و مخصوص مؤمنین و نیکوکاران است.
- أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ / خداوند ایمان را در قلب آنها نگاشت و آنها را با روحی از جانب خود تائید فرمود.
- مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً / هر کس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته کند، حتماً به زندگی پاک و پسندیده‌ای زنده‌اش می‌داریم.

3- امر ربوبی:

- وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا / ای پیامبر از تو درباره روح می‌پرسند، بگو روح امر خداست و جز اندکی از علم به شما ندادیم.

4- جبرئیل، وحی، ملائکه، قرآن...

- فرشته وحی. «يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»
- قرآن. «كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا»
- روح القدس. «أَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ»
- بزرگ فرشتگان، موجود آسمانی. «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ»

معانی نفس در قرآن

1- جان یا حیات حیوانی یا روح:

- واژه‌های موت، تموت، اموت در آیات / اشاره به جان و حیات که مرگ پایان آن است.
- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ / هر نفسی مرگ را خواهد چشید.
- وما كان لنفس ان تموت الا باذن الله / برای نفس چیزی نیست مگر آنکه به اذن خدا بمیرد.
- اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا خدایند است که جان‌ها را به هنگام مرگشان به طور کامل می‌گیرد، و (جان) آن را که نمرده است در هنگام خواب (می‌گیرد)

2- روان یا نفس انسانی:

- به معنای حالات روانی و خصوصیات انسان
- تُبْسَلُ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ / و پند بده که نفس به آنچه کسب کند گرفتار میشود.

3- شخصیت شکل یافته و متعادل:

- لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا / خداوند به اندازه توانایی هرکس به او تکلیف میدهد.
- وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا / و بترسید از روزی که در آن هیچکس به جای نفس دیگری مجازات نمیشود.

4- وجدان نفسانی یا خودآگاهی و شعور:

- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ الْيَسِيرِ
ترجعون / هرکس مرگ را میچشد و در مسیر زندگی با خوبی و بدی آزمایش میشود و به سوی ما برمیگردد.
- عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ / هر نفسی میداند آنچه را از پیش فرستاده شده و آنچه را که سپس خواهد آمد.

5- اصل ثابت انسانی یا خودآگاهی:

- وَنَفْسٌ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا / قسم به نفس ناطقه انسان و آنکه او را نیکو به حد کمال بیافرید و به او شر و خیر او را الهام کرد.
- نکته: فهم و درک خوبی ها و بدی ها به صورت فطری، در عمق روح انسانها نهاده شده است.

6- نفس حیوانی یا حیاتی، نفس اماره، تمایلات انسانی:

- وَمَا أَزْيَىٰ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ / و من (خودستایی نکرده و) نفس خویش را از عیب و تقصیر مبرا نمی دانم، زیرا نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت و می دارد جز آنکه خدای من رحم کند، که خدای من بسیار آمرزنده و مهربان است.

7- اصل و بن انسان، بشر اولیه، انسان ابوالبشر:

- نسل همه ی انسانها به حضرت آدم برمیگردد.
- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ / پروردگاری که شما را از یک اصل و بن آفرید.
- هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ

8- قلب، باطن و درون انسان

- رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ / خداوند به باطن شما آگاه است.
- وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ / خداوند به قلب و درون شما آگاه است.
- إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ / خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.
- لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَّمَ مَا تُوسُّوسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ / و همانا ما انسان را آفریده ایم و هر چه را که نفسش او را وسوسه می کند می دانیم و ما از شریان و رگ کردن به او نزدیک تریم.

9- ذات الهی

- وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي / (ای موسی!) من تو را برای خودم ساخته و برگزیدم.
- يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ / و خدا شما را از (عقاب) خود می ترساند.

10- عقوبت الهی:

- يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ / و خدا شما را از (عقاب) خود می ترساند.

11- حقیقت وجود:

- وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ / همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا نیز آنان را به خود فراموشی گرفتار کرد.

12- علم:

- إِنَّ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ / اگر گفته بودم، تو میدانستی. تو میدانی آنچه نزد من است ولی من نمیدانم آنچه نزد توست.
- نکته: اطلاق نفس به معنی علم چندان دقیق به نظر نمیرسد.

هوای نفس

میل و خواست به کسب لذت ها و فرار از دردها (الم).

هوای نفس در آموزه های دینی و اخلاقی اسلامی به معنای تمایلات، گرایش ها، و خواسته های نفسانی است که اغلب برخلاف عقل و فطرت الهی انسان عمل می کنند. این تمایلات معمولاً به لذت های زودگذر مادی، شهوات، و خواسته های خودمحورانه گرایش دارند و اگر کنترل نشوند، انسان را از مسیر تعالی و کمال بازمی دارند.

" هوا " به معنای میل و گرایش و خواستن است.

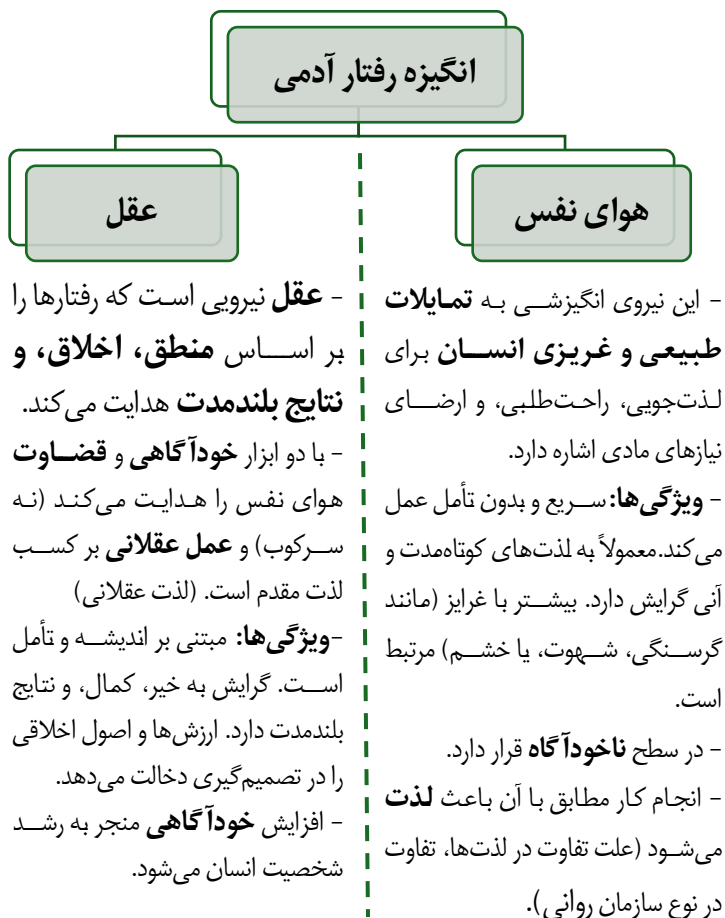
" **نفس** " در اینجا به بخش حیوانی و غریزی وجود انسان اشاره دارد که تحت تأثیر خواسته های جسمانی و شهوانی است.

نکته: سازماندهی به فرآیند جذب و هضم و انطباق گفته می شود که در نهایت به تکامل و پویایی شخصیت انسان منجر می شود. سازماندهی در درون خود انرژی لازم برای تکمیل مراحل خود را دارد (مثل لیبیدو در نظریه سائق فروید) و میل و انگیزه به تکمیل فرآیند سازماندهی را **هوای نفس** می گویند. بنابراین هوای نفس یعنی میل به انجام عملی که منجر به تکمیل یک سازمان روانی شود و در نهایت به کسب لذت و دوری از درد منتهی شود. پویایی سازماندهی (طی شدن مراحل جذب و هضم و انطباق) که حیات و تکامل را در پی دارد برای انسان لذت بخش است و **انسداد فرایند سازماندهی** نیز منجر به رنج و درد میشود (بنابراین لذت و درد دو وجه یک چیزند).

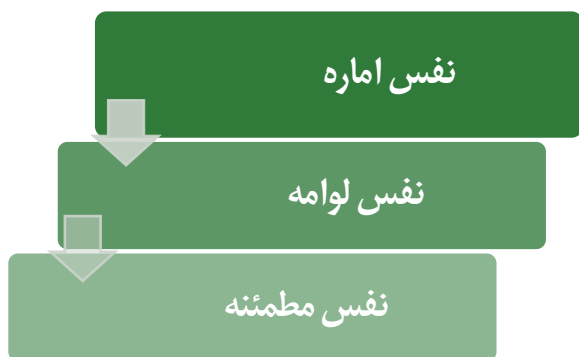
نحوه آغاز یک سازماندهی (یعنی چگونگی پیدایش جذب و هضم) و **میزان محرومیت** (هرچه محرومیت بیشتر، لذت ناشی از تخلیه انرژی و رفع آن نیز بیشتر است) مهمترین نقش را در لذت جویی و استمرار پویایی سازماندهی بازی میکند.

انگیزه رفتار انسان

دو نیروی اصلی درونی، رفتارها، تصمیمات و اعمال انسان را شکل می دهند:



مراحل رشد شخصیت با ملاک نفس و عقل



- ۱- کدام متفکر مسلمان برای اثبات وجود نفس به ذکر دلایل شرعی پرداخته است؟
 (۱) ابو نصر فارابی
 (۲) ابن رشد اندلسی
 (۳) امام محمد غزالی
 (۴) شیخ الرئیس بوعلی سینا

- ۲- ابواسحاق کندی شهوت و غضب را تحت عنوان کدام قوه، نام گذاری کرده است؟
 (۱) جزئیة
 (۲) غلبیه
 (۳) منمیه
 (۴) مصوره

- ۳- کدام مورد در معنای شاکله آمده است؟
 (۱) اراده
 (۲) فطرت
 (۳) غریزه
 (۴) نیت

- ۴- عقل بالقوه از دیدگاه ابن سینا با کدام یک از مراتب عقلی یکسان است؟
 (۱) بالفعل
 (۲) هیولایی
 (۳) بالملکه
 (۴) بالمستفاد

- ۵- مفهوم روح در آیه «تنزل الملائكة و الروح» چیست؟
 (۱) موجود آسمانی
 (۲) نفس انسانی
 (۳) روح عالم
 (۴) روح خدایی

- ۶- در حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» منظور از خود، کدام خود است؟
 (۱) ارزشی
 (۲) شخصی
 (۳) طبیعی
 (۴) غریزی

- ۷- تعبیر انسان به عنوان «خلیفه» و «کون جامع» از کیست؟
 (۱) ملاصدرا
 (۲) مولوی
 (۳) شمس تبریزی
 (۴) محی الدین عربی
 ۸- ابن سینا، قوه حافظه را چه نامیده است؟
 (۱) متفکره
 (۲) متذکره
 (۳) متصوره
 (۴) واهمه

- ۹- در مقایسه سه نفس اماره، لوامه و مطمئنه با سطوح سه گانه شخصیت از دیدگاه فروید (نهاد، من و من برتر) می توانیم بگوییم که :

- (۱) هر سه سطح شخصیت فروید در سطح نفس اماره قرار می گیرد.
 (۲) نهاد منطبق با نفس اماره و من و من برتر در سطح نفس لوامه قرار می گیرد.
 (۳) نفس اماره منطبق با نهاد، لوامه با من و مطمئنه با من برتر مطابقت دارد.
 (۴) سه نفس اشاره شده با سطوح سه گانه شخصیت فروید قابل تطبیق نیستند.

- ۱۰- ویژگی های عاطفی فطرت از دیدگاه استاد مطهری کدام است؟
 (۱) عقلیات
 (۲) مقدسات
 (۳) شرم و حیا
 (۴) بدیهیات اولیه

۱۱- در آیه «و یحذرکم الله نفسه» نفس به چه معنی است؟

(۱) انسان

(۲) نفس لوازمه

(۳) هوای نفس

(۴) ذات الهی

۱۲- این دیدگاه فارابی که روح انسان از عالم ملکوت است. با کدام

یک از نظریه های فلسفی اختلاف دارد؟

(۱) کندی

(۲) سقراط

(۳) ارسطو

(۴) افلاطون

۱۳- نفس اماره با کدام یک از مفاهیم قلب نزدیک است؟

(۱) آثم

(۲) سلیم

(۳) مطمئن

(۴) محزون

۱۴- حجر و نهیه مترادف کدام یک از واژه های زیر است؟

(۱) عقل

(۲) قلب

(۳) نفس

(۴) فطرت

۱۵- واژه های مترادف فطرت در قرآن کریم، کدام است؟

(۱) غریزه، نفس و قلب

(۲) عقل، قلب، دل

(۳) حجرو نهیه، لب و قلب

(۴) حنیفیت، صیغت، عهد و پیمان

۱۶- درباره شئون عقل تعبیرات مختلفی به کار رفته است. میتوان

گفت آن چیزی که عقل عملی نامیده شده است همانی است که

در برخی تعبیرات عقل نامیده شده است.

(۱) فلسفی

(۲) کلامی

(۳) شناختی

(۴) اخلاقی

۱۷- نظر ابونصر فارابی کدام است؟

(۱) در عقل مستفاد عقل قادر به درک مجردات نیست.

(۲) کمال جسم را نفس می داند و کمال نفس را عقل

(۳) عقل عملی ان است که نفس را در نیل به کمال بازی نمی کند.

(۴) عقل مادی قادر نیست ماهیت موجودات را درک کنند.

۱۸- به نظر کدام صاحب نظر گرایش به کمال ریشه بسیاری از

تمایلات انسانی است. همه انسان ها کمالجو و طالب حسن و

جمال هستند. خداجویی یکی از گرایش های انسان است که ناشی

از کمال جویی وی است؟

(۱) غزالی

(۲) فارابی

(۳) سهروردی

(۴) ابو علی سینا

۱۹- در بحث از رابطه عقل از دیدگاه اسلامی و هوش روان

شناختی کدام حالت قابل قبول است؟

(۱) تباین مطلق

(۲) نه تباین و نه تساوی مطلق

(۳) تضاد مطلق

(۴) تساوی مطلق

۲۰- کدام یک با ملاک های سلامت روان از دیدگاه اسلامی

مطابقت بیشتری دارد؟

(۱) خودآگاه زیستن، شناخت واقعیت، در حال و در جمع نبودن،

پویا، متکامل و با خدا زندگی کردن

(۲) خودآگاه زیستن، شناخت واقعیت، در آینده و در جمع زیستن،

پویا، متکامل و با خدا زندگی کردن

(۳) خودآگاه زیستن، شناخت واقعیت، در حال و در جمع زیستن،

پویا، متکامل و با خدا زندگی کردن

(۴) ناخودآگاه زیستن، شناخت واقعیت، در حال و در جمع زیستن،

پویا، متکامل و با خدا زندگی کرد.

۱- گزینه ۳) امام محمد غزالی

بحث اثبات وجود نفس از سوی ابن سینا مطرح شد اما غزالی دلایل شرعی را به دلایل عقلی ابن سینا اضافه کرد. غزالی برای اثبات وجود نفس، از برهان ثبات و استمرار ابن سینا استفاده کرد و به آن دلیل شرعی اضافه کرد. طبق نظر غزالی دین نفس را مورد خطاب قرار می‌دهد و پاداش و جزا مختص نفس است نه جسم.

۲- گزینه ۲) غلبیه

کندی مجموع قوه غضبیه و شهویه را غلبیه (مشابه عامل انگیزشی و لیبیدو) می‌نامد.

۳- گزینه ۴) نیت

معنای شاکله :

۱) نیت: نیت در لغت به معنای قصد و عزم قلب و در اصطلاح به تصمیم آگاهانه برای انجام کاری اطلاق میشود.

۲) خلق و خو: مجموعه صفات روانی انسان که در ارتباط با اشیاء و اشخاص بروز میکند.

۳) نیاز و حاجت: نیازها یکی دیگر از زیربناهای رفتاری انسان است. نیازها شامل نیاز فیزیولوژیکی و نیاز روانی میشود.

۴) مذهب: به معنای محل رفتن و در اصطلاح به معنای دین و روش فرد در زندگی است. به روش و برنامه ای که یک فرد در زندگی خود پیشه کرده و جهان و آینده و گذشته را براساس آن تفسیر میکند مذهب گفته میشود.

۵) هیئت و ساخت روانی: اصلی ترین معنای شاکله هیئت و ساخت روانی است و ۴ مورد بالا را در بر می‌گیرد.

۴- گزینه ۲) هیولانی

عقل بالقوه همان عقل هیولانی یا مادی است که به عنوان اولین سطح از عقل نظری، استعداد پذیرش معقولات را داراست.

۵- گزینه ۱) موجود آسمانی

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ
فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقدیر و تنظیم] هر کاری نازل می‌شوند. منظور از روح در آیه تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ، موجود آسمانی و فرشته ای بزرگ است.

۶- گزینه ۱) ارزشی

من عرف نفسه فقد عرف ربه تأمل و تفکر در نفس و شناسایی آن انسان را به خداشناسی رهنمون می‌کند. هرکس ارزش و جایگاه خود را بشناسد در نهایت به شناخت خداوند میرسد.

۷- گزینه ۴) محی الدین عربی

از نگاه محی الدین عربی، انسان خلیفه و کون جامع است یعنی تمام حقایق عالم در وجود انسان تجلی می‌یابد.

۸- گزینه ۲) متذکره

قوه حافظه یا ذاکره یا متذکره مخزن اطلاعات قوه ی واهمه است و وظیفه حفظ و نگهداری اطلاعاتی که از قوه ی واهمه میرسد را دارد.

۹- گزینه ۱) هر سه سطح شخصیت فروید، در سطح

نفس اماره قرار می‌گیرد.

فروید ، شخصیت را مرکب از سه دستگاه یا سه سطح می‌داند : ۱ . نهاد یا Id: که تابع اصل لذت است. ۲ . من یا ego : که با واقعیت سروکار دارد. ۳ . فرامن یا superego : که جنبه ی اجتماعی شخصیت را می‌رساند.

نهاد و ایگو و سوپرایگو فروید در سطح نفس اماره است. تمامی سطوح شخصیت از دیدگاه فروید در اصل لذت جویی مشترک هستند بنابراین همگی در سطح نفس اماره جای می‌گیرند.

روانشناسی کلاسیک اساسا روانشناسی نفس اماره است.

۱۰- گزینه ۲) مقدسات

ویژگی‌های فطری انسان از دید استاد مطهری شامل

۱-ویژگی‌های شناختی یا عقل : تمامی شناخت‌های غیراکتسابی انسان را میتوان در عنصر شناختی فطرت انسان یعنی عقل جای داد که ابزار بسیاری از تشخیص‌های انسان است.

۲-ویژگی‌های عاطفی یا مقدسات: از نظر شهید مطهری ، دو عنصر مهم در تفاوت بین انسان و حیوان وجود دارد که ریشه در فطرت انسان دارد: ۱-عدم خودمحوری و ۲- گرایش به قداست که به میزانی که این ویژگی‌ها در انسان باشد او را انسان متعالی تری میدانیم. این ویژگی‌ها که مقدسات نیز نامیده میشود شامل:

۱) حقیقت‌جویی (۲)خیرخواهی (۳)زیبایی (۴) خلاقیت و ابداع (۵) عشق و پرستش :مهم‌ترین گرایش انسان، اصلی ترین انگیزه ی

انسان در تکاپو و تلاش و رشد شخصیت آدمی در جهت جامه ی عمل پوشانیدن به این گرایش است.

۱۱- گزینه ۴) ذات الهی

يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ و خدا شما را از (عقاب) خود می ترساند.

نفس در این آیه به معنای عقوبت الهی و ذات خداوند به کار برده شده است.

۱۲- گزینه ۳) ارسطو

با اینکه فارابی معلم ثانی و پیرو ارسطو و مفسر قدرتمند نوشته های ایشان است، اما در این رای که با یک جهان صرفاً مادی سروکار داریم مخالف است و تابع آرای افلاطون، سقراط، فیثاغورث و... است که برای انسان روح و ملکوتی قائل هستند.

ارسطو معتقد است نفس با جسم به وجود می آید و با از بین رفتن جسم، نفس نیز از بین می رود. مثل موم و نقش روی آن که منطبق و جدانشدنی از هم هستند و با از بین رفتن موم، نقش روی آن نیز از بین می رود.

در مقابل افلاطون ارتباط میان روان و تن را عَرَضی میدانند. او معتقد است که نفس و بدن دو حقیقت و جوهر و ماهیت متفاوت میباشند. (نظر اکثر فلاسفه اسلامی با افلاطون هماهنگ است)

۱۳- گزینه ۱) آثم

نفس اماره = قلب آثم (گناهکار) زیرا هرگاه نفس انسان را به بدی سوق دهد، قلب در گناه غرق میشود. فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ: به درستی که قلبش گناهکار است.

نفس لوازمه = قلب محزون کسی که از انجام عمل خود پشیمان است قلبش اندوهگین می باشد و به همین دلیل به سمت خداوند باز می گردد و توبه میکند.

نفس مطمئنه = قلب مطمئن قلب و نفس مطمئنه با فکر و یاد خدا آرامش یافته و از گناه پاک میشوند و در جوار رحمت الهی به مقام رضوان دست میابند.

۱۴- گزینه ۱) عقل

قرآن کریم کلمات حجر، نهیه و لب را مترادف عقل بکار میبرد.

حجر (سنگ چین) : عقل، دور نفس را سنگ چین می کند و مراقبت می کند تا خطا نرود.

نُهیه (بازداشتن) : عقل، نفس را از تمایلات شیطانی باز می دارد. نهیه از ریشه نهی به معنای بازداشتن است.

لُب (خالص و زبده) : عقلی که خالص باشد. بالاترین درجه عقل اولوالالباب (صاحبان اندیشه) است.

۱۵- گزینه ۴) حنیفیت، صبغت، عهد و پیمان

مترادف فطرت در قرآن (از نظر مفهومی)

۱) صبغت: رنگ آمیزی کردن، رنگی که خدا می زند.

۲) عهد و میثاق: انسان، عهد و پیمان بسته که خدا را عبادت کند و از شیطان دوری کند و از مسیر حق منحرف نشود و هیچکس را رب خود بجز الله قرار ندهد.

۳) حنیفیت: یکتاپرستی و میل به حقیقت. حنیف به معنای حق گرا، حقیقت گرا، خداگرا و توحیدگرا آمده است.

۱۶- گزینه ۴) اخلاقی

عقل عملی وظیفه انجام کارهای صنعتی و حرفه ای و رفتارهای اخلاقی و انسانی را دارد. عقل اخلاقی همان عقل عملی است که مارا وادار به رفتار نیک میکند.

۱۷- گزینه ۲) کمال جسم را نفس میداند و کمال نفس

را عقل

از نظر مشائیان نفس نخستین استکمال جسم است (نفس کمال جسم است). همچنین کمال نفس، عقل مستفاد است.

۱۸- گزینه ۳) سهروردی

از نظر سهروردی عمده ترین گرایش انسان که ریشه بسیاری از تمایلات انسانی گرایش به کمال است. انواع گرایش ها و تمایلات انسان:

۱- صیانت نفس : تلاش برای حفظ حیات ۲- حقیقت

جویی: دانایی و آگاهی ۳- فضیلت: تابع دانش رفتار کردن

۴- خداجویی: خداجویی یکی از گرایش های انسان است که

ناشی از کمالجویی است. خداجویی مهمترین انگیزه رفتار آدمی است.

۱۹- گزینه ۲) نه تباین و نه تساوی مطلق

هوش و عقل یکسان نیستند. زیرا افراد باهوش بالا لزوماً تصمیمات عاقلانه نمی گیرند. هوش و عقل کاملاً متفاوت (تباین) نیستند. وجود میزان متوسطی از هوش لازمه عاقل بودن و زندگی عاقلانه است. کسی که کم توان ذهنی باشد یا از هوش متوسطی برخوردار نباشد نمیتواند زندگی عاقلانه داشته باشد. بنابراین در مقایسه بین هوش از دیدگاه روانشناسی و عقل از دیدگاه اسلامی میتوان گفت که این دو مفهوم از جهاتی به هم اشتراک داشته و از جهاتی با هم